

## نمایشنامه « کور کور »

نمایشنامه کوتاه " کور کور "

کور کور

این نمایش نه شرح صحنه نیاز دارد و نه

شخصیت ها نیاز به معرفی دارند ، هر چه

لازم است در بطن گفتگوها است .

(کور کور ، جفت یک در بازی نرد است)

جفت یک

زن ۱: برو کنار ! ... بذا حواسم به کارم باشه !... یهو دیدی سِرْمو به جا رگش زدم تو گوشتش !

زن ۲: تو میگی چیزیش نمیشه !؟

زن ۱: نترس ! خدا بزرگه ! خوب ! ... تموم شد ! بیا بریم بیرون ! این آقا عجوله باید بخوابه تا خوب شه !

زن ۲: نمی خواد بالا سرش باشم ؟

زن ۱: نه عزیزم ! بچه ها هستن ! بیا ! خُب !؟ نگفته بودی نامزد کردی کلک ؟

زن ۲: اتفاقی شد ! تو یه مهمونی دیدمش ... با هم جوش خوردیم ! خوش تپیه نه ؟

زن ۱: آره کارش چیه ؟

زن ۲: باباش شرکت ساختمونی داره ! اینم تو دست و بالشه ! بد نیس !

زن ۱: پس ماشین مال باباهه بود ؟

زن ۲: فرقی نمی کنه ! چیزی که زیاد دارن ماشینه ! خودش زنده مونده خوبه ... ماشین فدای سرش !

زن ۱: عجب شانسِی آوردی تو؟ ... یه چیزی نذر کن ! ... چای می خوری ؟

زن ۲: آره !

زن ۱: بریم پایین ، تو بوفه ! ... خیلی عوض شدی ! چند وقته ندیدمت ؟

زن ۲: همه اش دو سال !... چطور ؟

زن ۱: حسابی به خودت رسیدی آخه ! ... تو خیابون می دیدمت حتم دارم نمیشناختمت !

زن ۲: خوب شد تو اینجا بودی ! میگم ... راضی هستی ؟

زن ۱: نشنیدم ! ... چی گفتی ؟

زن ۲: از کارت ! ... اینجا !؟ ... راحتی !؟

زن ۱: آه ! ... آره ! خوبه !... شکر ! کاش توام ادامه داده بودی !

زن ۲: ولش کن! کی حوصله کار داره! مردای گُندش بیکارن! بیخودی جا رو واسه اونا تنگ کنم که چی؟! آدم باید زندگی کنه! کار مال خرّه، خرّه! من میگم آدم تو این چهار روز زندگی، یا باید جفت شیش بیاره، یا چی؟! درشو تخته کنه! بره بمیره! من فهمیدم تو این روزگار هر چی دس کم بگیری ... کم میاری!

زن ۱: جدی؟!!

زن ۲: خُب آره دیگه! گوش کن! قراره بعد عروسی بریم سوئد!

زن ۱: به سلامتی!... خونوادت چی؟

زن ۲: اونا که پخش و پلان!

زن ۱: هنوزم؟!!

زن ۲: آره!

زن ۱: قند؟

زن ۲: نه! ... بی قند می خورم!... تو رژیم!

\*\*\*

جفت دو

زن ۲: شوورت بود؟!!

زن ۱: آره! ... چطور؟

زن ۲: خجالتیه! یا تو بیخ کارو گرفتی؟

زن ۱: نه بابا! ... اون طفلک آدم سر به راهیه!

زن ۲: خوبه! ... بینم اونم همکارته؟ ... اینجا؟!!

زن ۱: نه ... تو روزنامه کار میکنه! خُب...؟! نگفتی چی کارم داشتی!

فکر می کردم سوئد باشی الان! ... دیدمت جا خوردم!

زن ۲: نه! ... اووم ... همون موقع ولش کردم! ... آشغال بود! مزاحم کارت که

نیستم؟

زن ۱: نه، نه! یکيو گذاشتم جام! تو بگو! پس با اون به هم زدی؟!!

زن ۲: میشه بریم تو حیاط؟! ... از بو بیمارستان بدم میاد!

زن ۱: آره، بریم! این ... این لباسای خوشگلو از کجا میگیری تو؟!!

زن ۲: مال نقشمه!

زن ۱: مال چی چی؟

زن ۲: نقشم! رفتم تو کار بازی و اینا!

زن ۱: اه ... مُبارکه! تو سینما؟!!

زن ۲: حالا !! ... فعلا سر یه کار تئاترم!

زن ۱: خب؟!!

زن ۲: میگم! ... یه چیزی ازت بخوام ... به من که نه نمیگی؟ ها؟!!

زن ۱: خب ... بستگی داره ... بگو! ... بتونم چرا که نه!

زن ۲: قول بده! ... من رو تو خیلی حساب کردم ... میدونی!

زن ۱: جونت بالا نیاد بچه! ... بعد دو سال ... آه ... بگو!

زن ۲: من ... من ... چیزه ... یه دکتر میخوام ... میدونی من خر شدم!

زن ۱: یعنی چی؟! نه که قبلاً نبودى ... چرا اینقدر جویده جویده حرف میزنى؟

زن ۲: شوهرم ... نه که کارش هُنْریه ... میگه بچه دس و پا گیره! جلو پیشرفت

آدمو می گیره! تازه، خودمم فکرشو که می کنم، می بینم، خودم چه خری شدم که بخوام یکی دیگه رو بیارم تو این باغ وحش!

زن ۱: حرفشو نزن!

\*\*\*\*

جفت سه

زن ۱: دیر کردی؟ دیگه داشتم می رفتم خونه! ساعت شیش کارم تموم شد.

زن ۲: بهتر! منکه حالم از هر چی بیمارستانه بهم می خوره! بینم بعد این همه سال دوستی، ترسیدی بیای خونه ام؟! فکر کردی می خوام چیز خورت کنم؟!!

زن ۱: نه! گرفتارم به خدا! گفتم که ... کُلّی کار مونده رو دسَم! تازه اسباب کشی کردم! زندگیم هنوز وسط راهروئه!

زن ۲: پس بگو، زنگ زدم یکی دیگه ور داشت! می خواستم خونه گیرت بیارم!

زن ۱: بعله خب! وقتی چند سال به چند سال زنگ میزنى همینه دیگه! داشت قیافه ات کلاً یادم می رفت ... میگم! چادرَم بهت میاد! یه کم چاق شدی! ... نه؟

زن ۲: مال قرصه!

زن ۱: چته مگه؟!!

زن ۲: هیچی! ... چیزیم نیست ... همینطوری!

زن ۱: چی شده آخه؟ واسه چی گریه می کنی خرس گنده؟!!

زن ۲: واسه بدبختی!

زن ۱: حالا بگو چته؟ بدبختی که مال همه اس!

زن ۲: کمکم می کنی؟!!

زن ۱: حتما ... چرا نه ... بگو!؟

زن ۲: چطوری بگم آخه! ... بعد که طلاق گرفتم ...

زن ۱: طلاق گرفتی!؟ ... آخه چرا؟

زن ۲: از بس دله بود!

زن ۱: بشین رو این سکو! ... اشکاتو پاک کن ... خب؟

زن ۲: خوشی به من حرومه به خدا ...

زن ۱: این چه حرفیه! ... خدا که بد کسیو نمی خواد ... کی جدا شدی؟

زن ۲: سه ساله!

زن ۱: اووه ... منو باش ... فکر کردم همین بعد از ظهری جدا شدی ... مشکلات چیه حالا؟ ... بچه ات!؟

زن ۲: نه! ... نه که چیز کردم! انداختمش! ... حالا ... حالا حمید پا کرده تو یه کفش ... بچه می خواد!

زن ۱: ای نادون ... آخه چرا؟! نگفتم نکن! خب حالا این حمید کیه؟

زن ۲: شوهرمه! تو آژانس کار می کنه ... تا دلت بخواد خوبه ... آقا! مهربون ...

زن ۱: خُب! ... حالا اون بچه می خواد ... تو نمی خوای!؟

زن ۲: نه ... منم می خوام ... میگن همیشه!

زن ۱: چرا!؟ ... پیش متخصص رفتی؟

زن ۲: بگو صد بار! ... میگن داغونم! ... سر اون ... وارد نبوده ... حالا!

زن ۱: ای خدا!! چیکار کردی با خودت تو؟! پاشو! ... پاشو غصه نخور صبح بیا ... بگم دکتر دماوندی خارج از

وقت بیست!

\*\*\*\*\*

جفت چار

زن ۲: زنگ زدم ... خیال کردم شوهرته گفت پسرته! کف کردم!

زن ۱: آره ... تازگی صداس دورگه شده ... شده قد باباش!

زن ۲: آه! ... چه زود گذشت! تو می خوای تا آخر عمرت تو این بیمارستان پیوسی!؟

زن ۱: پوسیدن چیه!؟ کارمه! دوس دارم خب! تازه! نکنم، چی کار کنم ... زندگی خرج داره!

زن ۲: تو ... نمی خوای یه سروسامونی به زندگیت بدی!؟

زن ۱: مثلاً!؟

زن ۲: خب ... پول و پله داری ... هنوزم اجاره نشینی؟

زن ۱: چیکار کنم! همینه دیگه!

زن ۲: سخته که!!

زن ۱: میدونم ... ولی میگذره!

زن ۲: یه پیشنهاد برات دارم ... توپ! ... هستی؟!

زن ۱: بسم الله! ... چی شده؟!

زن ۲: هیچی خره! ... وقتشه یه تکونی به خودت بدی! فکر کردی چقدر وقت داری؟!

زن ۱: حرفتو بزن! کلی صبح تا شب می دُوم این ور و اُون ور ... از این اطاق به اون اطاق ... تکنون از این بیشتر ؟

زن ۲: نه قربونت! ... پُول مُول اگه داری جفت و جور کن بندازیم تو کار!

زن ۱: مثلاً چه کاری؟!

زن ۲: دلار! ... یورو ... ارز ... هم نون داره هم آب!

زن ۱: یه پا کاسب شدی! ... خیریه؟!

زن ۲: نه! ... کاره دیگه! ... من ، عقلمو انداختم به کار، گاوه!

زن ۱: چی تو؟!

زن ۲: عقلمو! ... باور نمی کنی؟! نخند! ... حق داری!

زن ۱: خوب! ... بگو! ... دیدم نونوار شدی ... نکنه نوک کُلنگِت به گنجی چیزی خورده؟

زن ۲: ببین ، اشکال ما اینه که خیال می کنیم حتما باید یه روز یه گنجی چیزی ، غِلفتی بیفته رو کَله مُون ، نه عزیز من! ... تو این شهر ... هر گوشه اش گنج ریخته! کافیه آدم بو بکشه!

زن ۱: بو بکشه! ... هان!! من که غیر دود و دم چیزی واسه بو کشیدن نمی بینم!

زن ۲: تو همین دود و دم پول خوابیده! آه! ... مایه تیله چقدر داری؟!

زن ۱: چی؟!

زن ۲: پول! ... پول خوابیده! ... پول باس بچرخه تا بزاد! بیاد روش!

زن ۱: نه ... پیشرفت کردی! آقا پری خانوم! حقوق من و شوورم ، رو هم وقت خوابیدن و زاییدن ندارن! تا رومونو برمی گردونیم ... پریدن و رفتن! دل خجسته ای داری به خدا!

زن ۲: همین دیگه! ... شَم کار باشه ... بُردی! نَداری! جون می کنی! خیالت این همه آدم ، چطوری ماشینای خوشگل خوشگل سوار میشن؟!

زن ۱: حتما بُو میکشن خب!

زن ۲: آره! ... آره عزیزم! قرار بود همه عین تو بچسبن به صَنّار حقوق بخور نمیر ... آسَه برن آسَه بیان ... دنیا آباد می شد؟ نه! ... جیگر! ... آدم باید جیگر ریسک داشته باشه ... خیالت کسی تو فکر ماست؟! اونایی که اون بالا بالان ... سرشون به خودشونه بنده ... زر می زنن ... نمی دونن اصلاً ما هستیم! ... آدمیم! تونستی حقو با زرنگی در آری ... بردی ... والا ...

زن ۱: حالا چی می گی ؟ خدا رو شکریه بارم بعد نود و بوقی تو رو دیدم ناله نکردی !...دم از کار و کاسبی می زنی ! این ! این ، آقا به تو اشاره می کنه؟

زن ۲: اون؟ !... آره !

زن ۱: کیه ؟ یه جوریه!!

زن ۲: این؟ !...چیزه ... راستش ، بعد جدائی ...سر بچه که نشد...دیدم، باید یه کاری بکنم، اینه که...

زن ۱: رفیقته؟ !

زن ۲: نه! صیقه کردیم... کار می کنیم...نصف ، نصف...تو کار خرید فروش دلار و عتیقه و ایناایم با ...هم...

زن ۱: خوش باشین !

زن ۲: اوآ ...کجا پس ؟ ...پول چی شد؟

زن ۱: خبرت می کنم...

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

جفت پنج

زن ۲: من...من...کجام؟! آخ!! دلم...کجام؟

زن ۱: اون دنیا! الاغ جون ...خوکشی ام بلدی می خواد!

زن ۲: نمردم؟

زن ۱: چرا! تکون نخور! سرم در می یاد !

زن ۲: بازم برگشتم به این جهنم ؟ چرا نداشتین بمیرم ؟

زن ۱: بخواب ! حرف زن!

زن ۲: دل و روده ام داره بالا می یاد! آخ!

زن ۱: تکون نخور می گم! خوب می شی! چیزی تو دلت نیس بخوای بالا بیاری! بخواب!

زن ۲: نرو! پیشم بمون!

زن ۱: برمی گردم! بخواب!

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

جفت شیش

زن ۱: حالا می خوای چیکار کنی؟

زن ۲: زندگی!

زن ۱: پری! من هر چی بلد بودم، برات گفتم! هر کاری می‌تونستم کردم! دیگه نمی‌دونم به خدا چیکار کنم!

زن ۲: کمکم کن! می‌خوام زندگی کنم به خدا... چرا... هیشکی نمی‌خواد اینو بفهمه!!

زن ۱: لازم نیس کسی بفهمه... تو خودت بفهم کافیه!

زن ۲: باور کن می‌خوام زندگی کنم... همین!

زن ۱: بکن! بقیه چیکار می‌کنن؟ تو ام روش!

زن ۲: کردم!.. کردم!.. نشد!.. با همه جورش ساختم!.. دار و ندار و جوونیم باد هوا شد!

زن ۱: این که آدم یه دور تسبیح شوور عوض کنه... به هر کس و ناکس اعتماد کنه... عین پر کاه، با هر بادی اینطرف و اونطرف بره که نشد زندگی!

زن ۲: تو می‌گی چیکار کنم؟!

زن ۱: پس اینهمه که گفتم، یاسین بود؟ کجا بودی؟

زن ۲: همین جا... به خدا!

زن ۱: پس گوش نمی‌دادی!

زن ۲: چرا! ولی می‌دونم.. تو فکر این بودم یکی بیاد دسّمو بگیره بکشتم بالا... زیر سایه اش باشم... یه کار آبرومند داشته باشه، منم زیر پر و بالش بپلکم... می‌دونم... آخه واسه خدا کاری داره؟!

زن ۱: نه!

زن ۲: پس چرا من همه اش باید غصه فردارو بخورم... آیا فردا دارم؟ ندارم؟ کجا برم؟ چیکار بکنم؟... هی دلهره می‌نگرانی...

زن ۱: تو.. یا خدا رو قبول داری! یا نداری!... اگه داری!... پس چرا نگرانی؟ اگه نداری؟ به کی پس داری گلگی می‌کنی؟ همین دیگه!

زن ۲: نه... تاس منو بد ریختن! مرده شور همه چیو بیره!

زن ۱: تو که این حرفو می‌زنی!... پس چرا از من می‌پرسی چیکار کنم!

زن ۲: برا اینکه خرم...

زن ۱: منم خرم!.. ولی یه خری که فهمیده خره... تو خری... ولی فکر می‌کنی چرا باید بار ببری! برا همین هی جفتک میندازی!

زن ۲: منظورم این نبود!

زن ۱: حالا هرچی... بخوام سفره دلمو واکنم... می‌گی چرا زنده ام! تو فکر می‌کنی عالم و آدم خلق شدن برا تو؟ زندگی کردن یه هنری می‌خواد که خوب همه ندانن.. یه عده، خودشونو به جائی می‌رسونن که سقوط براشون نجاته... خدا عقلو داده... راهو داده چاهم داده... دیگه چیکار کنه؟ تا دلتم بخواد تو دنیا چیزای بی‌معنی، فت و فراوونه... وقتی یه جا پاتو کج گذاشتی... تا عمر داری... پاش می‌سوزی!

زن ۲: راس می گی ... ولی یکی باید اینارو یادم بده... کی یادم داد؟ مدرسه؟ بابام؟ شوهرم؟ درو همسایه؟ کی؟  
اونام یکی از یکی بدتر ... هر کی رسید، یه تیکه منو کند وبرد...گاهی وقتا فکر می کردم خیلی سگ جونم ... ولی  
همون وقت، یه طوری می شد که می فهمیدم عین یه مورچه ضعیفم ...میشستم عَرّ می زدم ... تو! ... تو! واقعاً فکر  
می کنی مقصر کیه؟

زن ۱: نمی دونم ... من دنبال مقصر نمی گردم ... فقط اینو می دونم ... یه جا خوندم یا یکی می گفت .. آدم گاهی  
راحت تره ... بره تو یه بانک جون بکنه ... تا بره دزدی کنه تو همون بانک ... کاش تو درستو تموم می کردی ... می  
دوننی تو شغل ما آدم می فهمه ... چه آسون و چقدر زیاد می میرن ! وقتی آدم با مرگ دمخور باشه ... راحت تر  
زندگی می کنه ... ما یه سهمی تو زندگی داریم ... یعنی می خوام بگم به حسابمون ریختن ... می شه یه دفه  
ورداشت... می شه خرد خرد... چقدر حرف زدیم ! خسه نشدی؟

زن ۲: نه! ... کاش این حرفارو یکی اونوقتا بهم زده بود!

زن ۱: اون وقتام این حرفا بود ... من دارم می رم ... کاری نداری؟

زن ۲: اه ....چه زود!... کی میای؟

زن ۱: چند روزی دسّم بنده!

زن ۲: می ری جائی، یا بازم اسباب کشی داری؟

زن ۱: نه! ... عروسی پسرمه!

زن ۲: ای وای... جدی می گی ؟ چه خوب! مبارکه! یعنی دیگه مرد شده؟!

زن ۱: آره دیگه... اونا بزرگ می شن... ما کوچولو می شیم ... کم کم باید جامونو بدیم به اونا!

زن ۲: پس چند روز نمای سر کار؟

زن ۱: به بچه ها سفارشتو کردم...مراقبتن!

زن ۲: می خواسم.... هیچی ... برو!..

زن ۱: نه ...بگو!

زن ۲: نه برو ...بعد...

زن ۱: الان بعد دیروزه...بگو!

زن ۲: نمی دونم چطوری بگم؟

زن ۱: یه طوری که من بشنم...

زن ۲: ببین ! بم نخندی آ... اینجا...تو همکارات ... یکی هست .. یکی دو بار دیدمش!

زن ۱: خب... جالبه!

زن ۲: لوس نشو! نیتش خیره... گفته اگه بشه... چیز کنیم...

زن ۱: زنش شی؟



زن ۲: خب ... اگه تو بگی خوبه!..

زن ۱: کیه؟ بگو بینم کیه ... مرده؟

زن ۲: نه پس زنه!!

زن ۱: کی؟

زن ۲: اسمش ... انصاریه! ... میشناسیش؟

زن ۱: انصاری؟... اقا فتح الله؟

زن ۲: گمونم!... خوبه؟

زن ۱: خُب ... مرد بدی نیس!... تو باش حرف زدی؟ یعنی فکر می کنی ازش خوشت میاد؟

زن ۲: دیگه .. مهم نیس!.. اون قبول کنه بسه!

زن ۱: بست نیس... اون همه دردسر؟!

زن ۲: چاره دیگه ای دارم؟

زن ۱: نمی دونم!

زن ۲: می دونی تو کدوم بخشه؟

زن ۱: آره!... تو سردخونه بیمارستان!